

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



درس ۷

عربی

پایه نهم

دوره اول متوسطه

نام دبیر: سید علی حسینی

ali1351.blogfa.com
ali135106.loxblog.com
ali.h_a36@yahoo.com
ali135106@gmail.com
09102060636

سید علی حسینی

الدَّرْسُ السَّابِعُ



آزمایشگاه ادیسون

سید علی حسینی

ali1351.blogfa.com
ali135106.loxblog.com
ali.h_a36@yahoo.com
ali135106@gmail.com
09102060636



ألة : دستگاه «جمع : آلات» ألة طباعة : دستگاه چاپ أحسن عملاً : کاری را نیکو انجام داد إلخترع : اختراع کرد (مضارع : يَخْتَرِعُ) أدوات : ابزارها «مفرد : أداة» أضاع : تباہ کرد (مضارع : يُضَاعِ) أنقذ : نجات داد (مضارع : يُنْقِذُ) بضاعة : کالا «جمع : بضائع» بطارية : باتری تثقال : تندیس «جمع : تماثيل»	حریق : آتش سوزی دَرس : درس خواند (مضارع : يَدْرُسُ) دفع : پرداختن رَبِیسی : اصلی ساعَد : کمک کرد (مضارع : يُسَاعِدُ) شَرکة : شرکت صناعة : صنعت صناعیة : صنعتی صُور مُتَحَرِّکة : عکس‌های متحرک طاقة کهربائیة : نیروی برق طَبَع : چاپ کرد	مضارع : يَطْبَعُ طَرَدَ : با تندی راند (مضارع : يَطْرُدُ) طُفولة : کودکی عَرَبیة : واگن، گاری کَهْرَبائی : برقی کیمیائی : شیمیایی مُسْجَل : دستگاه ضبط مَطْبَعَة : چاپخانه «جمع : مطابع» نَقَقَات : هزینه‌ها «مفرد : نَقَقَة» نوم : خواب وَضَع : گذاشت «مترادف: جَعَلَ»
---	--	--

۱- ادیسون در ۷ سالگی بود که خانواده اش از پرداخت هزینه تحصیل اوناتوان شد.

۲- پس مدیر مدرسه اش او را از مدرسه باتندی راند. و در باره اش گفت:

۳- «اودانش آموز احمقی است.» پس میوه فروش شد

۴- اما او تحصیل را ترک نکرد.

۵- بلکه به کمک مادرش درس خواند. او بسیار کمکش کرد

۶- ادیسون به خاطر حادثه یا بیماری که روزهای کودکی دچارش شده بود کم شنوا بود.

نَمْرَةُ الْجِدِّ نتیجه تلاش



كانَ إديسون فِي السَّابِعَةِ مِنْ عُمُرِهِ، عِنْدَمَا عَجَزَتْ أُسْرَتُهُ عَن دَفْعِ نَقَقَاتِ دِرَاسِيَّتِهِ؛
 ٢ فَطَرَدَهُ مُدِيرُ مَدْرَسَتِهِ مِنَ الْمَدْرَسَةِ وَ قَالَ عَنْهُ:
 ٣ «إِنَّهُ تَلْمِيذٌ أَحْمَقٌ». فَصَارَ بَائِعَ الْقَوَاقِبِ؛ وَلَكِنَّهُ
 مَا تَرَكَ الدِّرَاسَةَ؛ بَلْ دَرَسَ بِمُسَاعَدَةِ أُمِّهِ؛ هِيَ
 سَاعَدَتْهُ كَثِيرًا. كَانَ إديسون ثَقِيلَ السَّمْعِ
 بِسَبَبِ حَادِثَةٍ أَوْ مَرَضٍ أَصَابَهُ أَيَّامَ الطُّفُولَةِ.



بیتابه ایسونه ایام کودکی

۱- ادیسون شیمی رادوست داشت.

۲- پس آزمایشگاهی کوچک در خانه اش ساخت و بعد از مدتی

۳- توانست بعضی مواد شیمیایی و ابزارهای علمی را بخرد

۴- و بعد از تلاشهایی بسیار در یکی از قطارها مسوول شد.

۵- و توانست دستگاه چاپی بخرد و آن را در واگن کالاها گذاشت

۶- و در ۱۵ سالگی اش روزنامه ای هفتگی نوشت

۷- و آن را در قطار چاپ کرد.

۸- در یکی از روزها یکی از شیشه های مواد شیمیایی در چاپخانه شکست

۹- پس آتش سوزی روی داد و رئیس قطار او را با تندي راند.

۱۰- و هنگامی که کودکی را از زیر قطار نجات داد

۱۱- پدر کودک او را در شرکتش يك رئیس کرد.

۱۲- ادیسون شب و روز در آزمایشگاهش مشغول بود.

۱۳- او اولین کسی است که آزمایشگاهی برای پژوهشهای صنعتی ساخت



۱ ادیسون أَحَبَّ الكيمياء. فَصَنَعَ مُخْتَبَرًا صَغِيرًا
في مَنْزِلِهِ وَ بَعْدَ مُدَّةٍ قَدَّرَ عَلَى شَرَاءِ بَعْضِ الْمَوَادِّ
الكيمياءيةِ وَ الْأَدْوَاتِ الْعِلْمِيَّةِ وَ بَعْدَ مُحَاوَلَاتٍ
كثيرةٍ صَارَ مَسْئُولًا فِي أَحَدِ الْقِطَارَاتِ وَ قَدَّرَ عَلَى

شَرَاءِ آلَةِ طَبَاعَةٍ وَ وَضَعَهَا فِي عَرَبِيَّةِ الْبُضَائِعِ وَ فِي السَّنَةِ الْخَامِسَةِ عَشْرَةَ مِنْ عُمُرِهِ
كَتَبَ صَحِيفَةً أُسْبُوعِيَّةً وَ طَبَعَهَا فِي الْقِطَارِ. فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ الْكَثْرَةَ إِخْدَى زُجَاجَاتِ
الْمَوَادِّ الكيمياءيةِ فِي الْمَطْبَعَةِ؛ فَحَدَّثَ حَرِيقَ قَطْرَدَهُ رَئِيسَ الْقِطَارِ وَ عِنْدَمَا انْقَلَبَ

طِفْلًا مِنْ تَحْتِ الْقِطَارِ، جَعَلَهُ وَالِدُ الطِّفْلِ رَئِيسًا فِي
شَرِكَتِهِ.



۲ اكان ادیسون مشغولاً في مُخْتَبَرِهِ لَيْلًا وَ نَهَارًا.

۳ هو أَوَّلُ مَنْ صَنَعَ مُخْتَبَرًا لِلْبُحَاثِ الصَّنَاعِيَّةِ.

إِخْتَرَعَ إدیسون أَكْثَرَ مِنْ أَلْفِ إِخْتِرَاعٍ مُهِمٍّ؛

مِنْهَا الطَّاقَةُ الْكَهْرَبَائِيَّةُ وَ الْمِصْبَاحُ الْكَهْرَبَائِيُّ

وَ مَسْجَلُ الْمَوْسِيقَى وَ الصُّورُ الْمُتَحَرِّكَةُ وَ آلَةُ

السِّيْمَا وَ بَطَّارِيَةُ السِّيَّارَةِ.

وَ الطَّاقَةُ الْكَهْرَبَائِيَّةُ فِي هَذَا الْعَصْرِ سَبَبٌ رَئِيسِيٌّ

لِتَقَدُّمِ الصَّنَاعَاتِ الْجَدِيدَةِ.

الكهف ۳۰

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ﴿





إديسون أَحَبَّ الكيمياءَ. فَصَنَعَ مُخْتَبَرًا صَغِيرًا فِي مَنْزِلِهِ وَ بَعْدَ مُدَّةٍ قَدَّرَ عَلَى شِرَاءِ بَعْضِ الْمَوَادِّ الكِيمَاوِيَّةِ وَ الْأَدَوَاتِ الْعِلْمِيَّةِ وَ بَعْدَ مُحَاوَلَاتٍ كَثِيرَةٍ صَارَ مَسْؤُولًا فِي أَحَدِ الْقِطَارَاتِ وَ قَدَّرَ عَلَى

شِرَاءِ آلَةِ طِبَاعَةٍ وَ وَضَعَهَا فِي عَرَبَةِ الْبُضَائِعِ وَ فِي السَّنَةِ الْخَامِسَةِ عَشْرَةَ مِنْ عُمُرِهِ كَتَبَ صَحِيفَةً أُسْبُوعِيَّةً وَ طَبَعَهَا فِي الْقِطَارِ. فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ انْكَسَرَتْ إِخْدَى رُجَاجَاتِ الْمَوَادِّ الكِيمَاوِيَّةِ فِي الْمَطْبَعَةِ؛ فَحَدَّثَ حَرِيْقٌ قَطْرَدَهُ رَئِيسُ الْقِطَارِ وَ عِنْدَمَا انْقَدَّ

طِفْلًا مِنْ تَحْتِ الْقِطَارِ، جَعَلَهُ وَالِدُ الطِّفْلِ رَئِيسًا فِي شَرِكَتِهِ.



كَانَ إديسون مَشْغُولًا فِي مُخْتَبَرِهِ لَيْلًا وَ نَهَارًا. هُوَ أَوَّلُ مَنْ صَنَعَ مُخْتَبَرًا لِلأَبْحَاحِ الصَّنَاعِيَّةِ.

١- اِخْتَرَعَ إديسون أَكْثَرَ مِنْ أَلْفِ اِخْتِرَاعٍ مُهِمٍّ؛ مِنْهَا الطَّاقَةُ الكَهْرَبَائِيَّةُ وَ المِصْبَاحُ الكَهْرَبَائِيُّ وَ مَسْجَلُ المَوْسِيقَى وَ الصُّورُ الْمُتَحَرِّكَةُ وَ آلَةُ السِّيْمَا وَ بَطَّارِيَةُ السِّيَّارَةِ.

٢- وَ الطَّاقَةُ الكَهْرَبَائِيَّةُ فِي هَذَا العَصْرِ سَبَبٌ رَئِيسِيٌّ لِتَقْدُمِ الصَّنَاعَاتِ الْجَدِيدَةِ.

الكهف ٣٠

٤ ﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ﴾



١- ادیسون بیش از هزار اختراع مهم اختراع کرد.

٢- از آن جمله نیروی برق و چراغ برقی و دستگاه ضبط موسیقی و عکس های متحرک و دستگاه سینما و باتری خودرو است.

٣- و نیروی برق در این دوره علت اصلی برای پیشرفت صنایع جدید است

٤- قطعاً کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، همانا ما پاداش کسی را که کاری را نیکو انجام داد تباه نمی کنیم.

موصوف اسمي است که برایش يك صفت مي آوريم و قبل از صفت قرار مي دهيم.

صفت اسمي است که ويژگي موصوف را بيان مي کند و پس از موصوف مي آيد.

الطَّالِبُ النَّشِيطُ (دانش آموز کوشا)

طالِبٌ نشِيطٌ (دانش آموزی کوشا)

موصوف و **صفت** بايستي هر دو مذكر و يا هر دو مؤنث باشند.
هُوَ جَمِيلٌ - هِيَ جَمِيلَةٌ

موصوف و **صفت** هر دو داراي «ال» يا هر دو داراي تنوين هستند.

أثرٌ تاريخيٌّ - الصُّورُ الْمُتَحَرِّكَةُ

به آخر موصوف **تر** يا **ترين** مي شود اضافه کرد.

درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با توجه به متن درس معلوم کنید.

نادرست	درست	
<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	١. عَدَدُ اخْتِرَاعَاتِ إديسون سَبْعُونَ.
<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	٢. إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ.
<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	٣. أَحَبُّ إديسون عِلْمَ الكيمياءِ فِي صَغَرِهِ.
<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	٤. سَاعَدَتْ أُمُّ إديسون وَلَدَهَا فِي الدِّرَاسَةِ.
<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	٥. وَضَعَ إديسون آلَةَ الطَّبَاعَةِ الَّتِي اسْتَرَاهَا فِي بَيْتِهِ.

اسم + صفت

ترکیب وصفی (موصوف و صفت) و ترکیب اضافی (مضاف و مضاف الیه)

(موصوف و صفت)



آثار تخریب‌شده در فارس



قلعه فلک‌الافلاک در اصفهان

هذه قلعة تاريخية في محافظة جميلة. هذا أثر تاريخي في محافظة كبيرة.

این قلعه تاریخی در استانی زیبا است.

این اثر تاریخی در استانی زیبا است.

ali1351.blogfa.com
ali135106.loxblog.com
ali.h_a36@yahoo.com
ali135106@gmail.com
09102060636

سید علی حسینی

مِفْتَاحُ أَلْبَابِ . كَلِيدِ در (نسبت داشتن یا مرتبط بودن
 کلید به در)

در ابتدای مضاف هیچگاه «ال» نمی آید.
 تَمَائِلُ الْعُلَمَاءِ (ص)
 التَّمَائِلُ الْعُلَمَاءِ (غ)

تندیس متنبی در شهر بغداد

به آخر مضاف الیه تر یا ترین نمی شود اضافه کرد.

اسم + اسم

(مضاف و مضاف الیه)



تَمَائِلُ الْعُلَمَاءِ، فِي مَقَرِّ مَنظَمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ. تَمَائِلُ الْمُتَنَبِّي، فِي مَدِينَةِ بَغدَادِ.
 تندیسهای دانشمندان در مقر سازمان ملل متحد



موصوف، اسمی است که برایش یک یا چند ویژگی می آوریم که صفت نامیده می شود.
 مضاف، اسمی است که به اسم بعد از خودش (یعنی مضاف الیه) نسبت داده می شود؛

مثال:

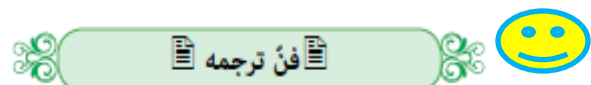
مضاف و مضاف الیه		موصوف و صفت	
مُخْتَبَرٌ صَغِيرٌ	أَمَائِشْكَاهِ كُوجِك	مُخْتَبَرُ الْمَدْرَسَةِ	أَمَائِشْكَاهِ مَدْرَسَه
الصَّنَاعَةُ الْجَدِيدَةُ	صَنَعَتِ جَدِيد	صِنَاعَةُ الْوَرَقِ	صَنَعَتِ كَاغِذ
طُلَّابٌ مُجْتَهِدُونَ	دانشجویانی کوشا	طُلَّابُ الْجَامِعَةِ	دانشجویان دانشگاه

۱. تندیس دانشمندان ایرانی در مقر سازمان ملل متحد در شهر وین کشور اتریش
 ۲. شاعر نامدار سده چهارم هجری قمری در روزگار خلافت بنی عباس متولد کوفه

سید علی حسینی

ali1351.blogfa.com
 ali135106.loxblog.com
ali.h_a36@yahoo.com
 ali135106@gmail.com
 09102060636

در عربی ضمیر به کلمه ی موصوف متصل می شود اما در هنگام ترجمه باید دقت کنیم که در فارسی ضمیر به صفت وصل می شود.



به ترجمه ترکیب‌های زیر در جمله دقت کنید^۱ :

۱. سَاعَدَتْ أَخِي الْكَبِيرَةَ جَدَّتْنَا.
خواهر بزرگم به مادر بزرگمان کمک کرد.
۲. نَادَيْتُ أَخِي الْأَصْغَرَ لِكِتَابَةٍ وَاجِبَاتِهِ.
برادر کوچک‌ترم را برای نوشتن تکلیف‌هایش صدا زدم.

جمله‌های زیر را ترجمه کنید. «به ترجمه ترکیب داده شده دقت کنید»

۱. لَيْسَتْ أُمِّي خَاتَمَهَا الذَّهَبِيَّ فِي حَفْلَةِ مِيلَادِي.

مادرم در جشن تولدم انگشتر طلائی اش را پوشید

۲. شَجَعْنَا قَرِيْبَنَا الْفَائِزَ فِي نِهَاةِ الْمُسَابَقَةِ.

در پایان مسابقه تیم برنده ی مان را تشویق کردیم.

۳. قَسَمْتُ مَرْعَتَنَا الْكَبِيرَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ.

مزرعه ی بزرگمان را به دو نیم تقسیم کردی

۴. هُوَ يَعْمَلُ بِوَاجِبَاتِهِ الْمَدْرَسِيَّةِ.

او تکلیف‌های مدرسه اش را انجام می دهد.

۵. كَانَتْ سَفَرَتُنَا الْعِلْمِيَّةَ مُفِيدَةً.

سفر علمی مان مفید بود

۶. أَشْكُرُكَ عَلَى عَمَلِكَ الصَّالِحِ.

از کارشایسته ی تو تشکر می کنم

۱. در ارزشیابی از این قاعده، فقط باید از مثال‌های مانند کتاب استفاده کرد.

سید علی حسینی

ali1351.blogfa.com

ali135106.loxblog.com

ali.h_a36@yahoo.com

ali135106@gmail.com

09102060636



التمرين الأول

● درستی یا نادرستی هر جمله را بر اساس حقیقت بنویسید.

صحيح

١. الشَّرِكَةُ مَوْسَسَةٌ تِجَارِيَّةٌ أَوْ اِقْتِصَادِيَّةٌ يَعْمَلُ فِيهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ.

غلط

٢. اَلْقِطَارُ مَكَانٌ يَبِيعُ البَضَائِعِ مِثْلَ المَلَابِسِ وَ الفَوَاكِهِ.

غلط

٣. اَلْمَطْبَعَةُ مَخْرَجٌ لِحِفْظِ المَوَادِّ الغِذَائِيَّةِ كَالخُبْزِ.

صحيح

٤. اَلطُّفُولَةُ هِيَ السَّنَوَاتُ اَلأُولَى مِنَ حَيَاةِ اَلإِنْسَانِ.

صحيح

٥. اَلصَّاعِقَةُ كَهْرِبَاءٌ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَعَ الرُّعْدِ.



التمرين الثاني

● جمله های زیر را ترجمه کنید.



پل سفید، بروی رودخانه ی کارون است.

مَرَقَدُ العَالِمِ اَلإِرَانِيِّ اَبْنِ سِينَا فِي مَدِينَةِ هَمْدَانَ. اَلجِسْرُ اَلأَبْيَضُ، عَلَى نَهْرِ كَارُونَ.

آرامگاه دانشمندی ایرانی ابن سینا در شهر همدان است



سربازهای نیرومندا، سربازهای مؤمنی هستند

جُنُودُنَا اَلأَقْوِيَاءُ، جُنُودٌ مَوْمِنُونَ.

مَسْجِدُ اَلإِمَامِ، اَثَرٌ قَدِيمٌ فِي مَحَافِظَةِ اَصْفَهَانَ.

مسجد امام، اثری قدیمی در استان اصفهان است.

۱- شرکت مؤسسه ی تجاری یا اقتصادی است که در آن تعداد زیادی از مردم کار می کنند.

۲- قطار جایی برای فروش کالاها مانند لباس و میوه ها است.

۳- چاپخانه انباری برای نگه داری مواد غذایی مانند نان است.

۴- کودکی همان سال های نخستین از زندگی انسان است.

۵- صاعقه برقی است که از آسمان همراه با صدا (رعد) نازل می شود



التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

● كلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید. =، ≠

صداقة ≠ عداوة وَضَع = جَعَلَ لَيْل ≠ نَهَار عاقِل ≠ مجنون
 راسب ≠ ناچسب أعداء ≠ أصدقاء صَعْب ≠ سَهْل جلوس ≠ قيام
 طويل ≠ قصير نام = رَقَدَ قَبِيح ≠ جَمِيل جاء = أتى



التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

● در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «در کلمه اضافه است.»

- أُنْقِذَ / رَبَّيْسِي / إِحْتَرَقَ / طَبَعَ / نَفَقَاتُ / الصَّحِيفَةُ / بَضَائِعُ
1. كانت **نَفَقَاتُ** الجامعة غالية و ما كنتُ قادراً على دفعها وُخدي.
 2. إنكسرتُ إحدى الزجاجات في المختبر **إِحْتَرَقَ** كُلُّ الأشياءِ.
 3. يَجْلِبُ التَّاجِرُ **بَضَائِعَ** جديدةً إلى دكانِهِ لِتَبِيعِ.
 4. يَبْدَأُ والدي يَوْمَهُ بِقِرَاءَةِ **الصَّحِيفَةِ** دائماً.
 5. **أُنْقِذَ** إديسون طفلاً مِنْ تَحْتِ الْقِطَارِ.



التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

● فعل‌های زیر را مانند مثال ترجمه کنید.

سید علی حسینی

ali1351.blogfa.com
 ali135106.loxblog.com
ali.h_a36@yahoo.com
ali135106@gmail.com
 09102060636

ماضی منقذ	مضارع منقذ	مستقبل (آینده)	امر	نهی
ما ذَهَبَ: نَرَفَتَ	لا يَذْهَبُ: نَمِي رُود	سَيَذْهَبُ: خَواهِدْ رَفَتَ	إِذْهَبْ: بَرُو	لا تَذْهَبْ: نَرُو
ما شَرِبَ: نَوَشِدند	لا يَشْرَبُونَ: نَمِي نَوشند	سَيَشْرَبُونَ: خَواهِدْ نَوشيدَ	اشْرَبْ: بَنوشيدَ	لا تَشْرَبْ: نَنوشيدَ
ما غَسَلَ: نَشِستَ	لا يَغْسِلُ: نَمِي شَويدَ	سَوْفَ يَغْسِلُ: خَواهِدْ شِستَ	اغْسِلْ: بَشَوي	لا تَغْسِلْ: نَنشَوي



التَّحْمِيرُ السَّادِسُ

با استفاده از کلمات زیر، جدول را حل کنید و رمز آن را به دست بیاورید.

مَعجون / أَبْحاث / طُفُولَة / صِنَاعَة / تَفَقَّات / أَنْهَار / دَفْح / مُسَجَّلَات /
مَطَابِع / مُزْدَجِم / آلَات / تَمَائِيل / شُهُور / كُرْسِي / أَنْفُسُهُمْ / اِبْتِدَاء

رمز ↓

			ط	ف	و	ل	ة
			ن	ف	ق	ا	ت
		ن	م	ع	ج	و	
		ر	ا	ن	ه	ا	
			ا	ح	ا	ث	
			ا	ب	ت	ا	
ي	س	ر	ا	ا	ا		
			م	س	ج	س	ث
				ث	ه	و	ر
			م	م	ا	ب	ع
			م	ر	ا	ح	م
س			ت	م	ا	ث	ي
				ا	ن	ا	ث
			ك	ا	ن	ا	ع
			ر	ط	ط	ع	
			ا	ن	ف	س	ه
			م				

۱. کودکی
۲. هزینه‌ها
۳. خمیر
۴. رودخانه‌ها
۵. پژوهش‌ها
۶. شروع شد
۷. صندلی
۸. ضبط صوت‌ها
۹. ماه‌ها
۱۰. چاپخانه‌ها
۱۱. شلوغ
۱۲. تندیس‌ها
۱۳. ابزارها
۱۴. صنعت
۱۵. پرداختن
۱۶. خودشان

قال أمير المؤمنين علي عليه السلام :

رمز : ➔

لا جَهَادَ كَجَهَادِ النَّفْسِ

سید علی حسینی

ali1351.blogfa.com
 ali135106.loxblog.com
ali.h_a36@yahoo.com
 ali135106@gmail.com
 09102060636



گَنْزُ الْحِكْمَةِ

گنج دانایی

● بخوانید و ترجمه کنید!

۱. «عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ.»
یاد خدا بر تو لازم است قطعاً آن نور دل است.

۲. «جَلِيسُ السَّوْءِ شَيْطَانٌ.»

همنشین بد ، شیطان است.

۳. «الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ.»

دنیا مزرعه ی آخرت است.

۴. «الْعِلْمُ كَنْزٌ عَظِيمٌ.»

دانش گنجی بزرگ است

۵. «النَّوْمُ أَخْرَابٌ.»

خواب برادر مرگ است.

تحقیق

● نام چه میوه‌هایی در سه کتاب عربی آمده است؟

● نام کدام یک از آنها در قرآن آمده است؟